



تحلیل هفته

درنگ جایز نیست!

با تشکیل کمپین و دامن زدن به اعتراضات، به حذف قوانین حمایتی اعتراض کنیم



صادق کار

بنا

به گزارشی که در ۱۳ مرداد ۹۵ از یک نشست کارفرمایی - دولتی در خبرگزاری (ایلنا) منتشر شده، "محمدرضا کارگر" مدیرکل توسعه اشتغال و سیاستگذاری بازار کار که به عنوان نماینده دولت در جلسه مذکور شرکت داشته، به نمایندگان بخش خصوصی و کارفرمایان حاضر در نشست وعده ارزان کردن نیروی کار و تعیین دستمزد بر اساس بهره وری را داده و گفته است که گویا قصدش از این کار اشتغالزایی و مبارزه با بیکاری است.

بنا بر همین گزارش، نماینده دولت در این نشست علاوه بر آن گفته است: "دولت آماده است تا پتانسیل ارزان سازی کارگران را در اختیار کارفرمایان بگذارد، زیرا اساس کار این است که فارغ التحصیلان دانشگاهی به دنبال جمع کردن رزومه هستند و کارفرمایان می توانند بدون صرف هزینه برای حقوق و دستمزد آنها را به خدمت بگیرند."

وعده این مدیر ارشد دولتی در مورد ارزان کردن نیروی کار در شرایطی صورت می گیرد، که هم اکنون نیز بنا به داده های آماری رسمی، سهم دستمزد از قیمت تمام شده کالا، بین ۷ الی ۱۰ درصد است و دستمزد ماهانه بالغ بر ۷۰٪ از کارگران شاغل به رغم افزایش چشمگیر قیمت خدمات درمانی، آموزشی، آب و برق، گاز، تلفن، مسکن، خوراک و غیره، حدود ۸۲۰ هزار تومان و معادل یک چهارم خط فقر است.

تقاضای افزایش دستمزد متناسب با هزینه های واقعی زندگی در طی بیش از سه دهه همواره یکی از اصلی ترین مطالبات عمومی کارگران و محرک بسیاری از اعتراضات کارگری بوده و هست. بنابراین دادن چنین وعده هایی، آن هم در زمانی که کوس رسوایی حقوق های چنددهه و چندصد میلیونی مدیران دولتی، از جمله صفدر حسینی وزیر کار سابق، عالمگیر شده، چیزی جز فریبکاری و بیشرمی نیست. سیاست ارزان کردن نیروی کار طی نزدیک به سه

دهه و دیگر سیاست های ضد کارگری دولتها نیز هیچ کدامشان سبب کاهش بیکاری نشده اند، و حتی بنا بر آمارهای دستکاری و تحریف شده رسمی، تشدید آهنگ سیاست ارزان سازی نیروی کار در سه سال گذشته، تا اکنون به جای کاستن از بیکاری ۶ دهم درصد بر تعداد بیکاران افزوده است. "تعیین دستمزد بر اساس بهره وری" که نماینده دولت وعده اش را در این نشست می دهد، در واقع نام رمز آزادسازی دستمزدها و اعلام رسمی تعطیلی ماده ۴۱ قانون کار است که عملاً سالهاست توسط شورای عالی کار تعطیل شده و قرار است در لوایح "اصلاح قانون کار و مناطق آزاد" جنبه حقوقی هم به آن داده شود.

بیشترمانه تر از آن، وعده بیگاری فارغ التحصیلان دانشگاهی است که محمدرضا کارگر در این نشست به کارفرمایان می دهد. او طوری در این نشست کارفرمایی در مورد این دو موضوع صحبت می کند، که انگار نیروی کار برده است و دولت صاحب آنهاست و لذا تکلیف کار و زندگی



از مناسبات کارگری - کارفرمایی است، افزایش دستمزدهاست، زیرا در صورت دستمزد مکفی پدیده چند شغلی تقلیل پیدا می کند و محل های اشتغال بیشتری پدید می آیند و تقاضا برای خرید کالا نیز فزونی می گیرد که در واقع به رونق دامن می زند.

سخنان محمدرضا کارگر، مدیر کل اشتغال وزارت کار، در نشست اتاق بازرگانی در کنار لوايح ضد کارگری دولت حکایت از آن دارد، که دغدغه دولت و کارفرمایان همچنان بیش از آن که متوجه یافتن راهکارهای درست و بهره گیری از تجربیات گذشته، برای حل معضلات بیکاری، رکود و افزایش بهره وری باشد، در پی افزایش سود هرچه بیشتر سرمایه داران خصوصی و دولتی از طریق از میان برداشتن موانع حقوقی تشدید استثمار و به بیگاری کشیدن کارگران است. این اقدام در عمل نتایجی متضاد با اهداف پیش بینی شده بانیانش در پی خواهد داشت و در نهایت بازهم کارگران و مردم عادی اند که زیان سیاستهای قدرتمندان حاکم را خواهند پرداخت.

بدیهی است که کارگران زیر بار این همه زورگویی و ناکارایی که امحا همه حق و حقوق و دستاوردهای تاریخی مبارزاتی شان را هدف قرار داده نخواهند رفت و با آن مبارزه خواهند کرد. اکنون که اقدامات ضد کارگری حکومت با تصویب لوايح تغییر قانون کار علیه کارگران و توسعه مناطق تجاری - صنعتی وارد مرحله حساس و نگران کننده ای شده، درنگ در مبارزه با آن جایز نیست. سازمانها و تشکلهای کارگری وظیفه دارند با بسیج همه امکانات و سازماندهی کمپین های مشترک برای ناکام کردن اقدامات حکومت، بطور جدی تلاش کنند و داشتن اختلافات در زمینه های دیگر نباید آنان را از اقدامات سازمان یافته مشترک در این باره باز دارد.

سایت "آفتاب"، علی لاریجانی گفته است: **"بیش از ۸۰۰ هزار میلیارد پول در دست مردم است."** با این وصف با استناد به اظهارات کارشناسان و حتی خود مقامات دولتی می توان گفت که تا کنون سرمایه چندانی جذب بخش تولید نشده است. از طرفی گفته می شود، که افزایش بی رویه جمعیت یکی از دلایل افزایش تقاضای بازار کار است که در افزایش بیکاری نقش دارد، اما همه تسهیلات جلوگیری از بارداری ناخواسته را قطع می کنند و افزایش جمعیت و زادوولد در برنامه ۶ ساله دولت مورد حمایت قرار می گیرد و برای آن تسهیلات ویژه برقرار می کنند. یکی از راهکارهای دیگر کاهش بیکاری، بازنشسته کردن به موقع کسانی است که در سن بازنشستگی قرار دارند و استخدام نیروهای جوان

دغدغه دولت و کارفرمایان همچنان بیش از آن که متوجه یافتن راهکارهای درست و بهره گیری از تجربیات گذشته، برای حل معضلات بیکاری، رکود و افزایش بهره وری باشد، در پی افزایش سود هرچه بیشتر سرمایه داران خصوصی و دولتی از طریق از میان برداشتن موانع حقوقی تشدید استثمار و به بیگاری کشیدن کارگران است.

بیکار بجای آنهاست. اما در این مورد نیز به طوری که در برنامه ششم دولت آمده است، قرار است ۵ سال به سن بازنشستگی افزوده شود و قانون بازنشستگی زودرس در کارهای سخت و زیان آور را هم می خواهند از میان بردارند. یکی دیگر از راهکارهای مقابله با بیکاری و افزایش بهره وری و رکود در شرایط امروز ایران، که ظاهراً دستاویز کارفرمایان و دولت برای طفره رفتن از افزایش دستمزد و مقررات زدایی

آنان را دولت می تواند مشخص کند. جالب این که در حالی که وزیر کار و مدیران دولتی شياغل در این وزارتخانه به دروغ مکرراً اعلام می کنند که گویا تغییرات و تصمیمات در حوزه کارگری- کارفرمایی از طریق مناسبات سه جانبه گرایی اخذ می شوند، اما در این جلسه حتی نمایندگان "تشکلهای کارگری" وابسته به قدرت را هم به آن راه نداده اند. قابل ذکر است که همین وعده را دولت در "تبصره ۳۳" برنامه پنج ساله ششم در قالب برنامه آورده است. اما بخاطر اعتراضاتی که به آن شد، وزیر کار مدتی پیش از پس گرفتن آن توسط رئیس جمهور خبر داد، با این همه بنظر می رسد با توجه به تکرار آن توسط نماینده دولت در این نشست، پس گرفتنش حقیقت نداشته باشد.

واقعیت این است که سهم دستمزد از قیمت تمام شده کالا، در بسیاری از کشورها و از جمله در تعدادی از کشورهای منطقه، دو تا سه برابر بیشتر از ایران است. افزون بر آن سطح عمومی دستمزدها نیز تقریباً به همین نسبت بالاتر از ایران و بالاتر از خط فقر است و کارگران از خدمات و مزایای قانونی بهتری برخوردارند. با این همه، وضعیت اقتصادی و تولیدی، حتی در کشورهایی که از لحاظ ذخایر طبیعی به اندازه ایران غنی نیستند، به مراتب بهتر از ایران است و پرداخت دستمزد بالاتر سبب رکود تولید و ناسودآوری آنها نشده است. این واقعیت نشان می دهد که علت را باید در جایی به غیر از آنجایی که دولت و کارفرمایان می گویند جستجو کرد.

سالهاست که دولت ها از یکسو از افزایش مداوم حجم نقدینگی ابراز نگرانی می کنند، ولی به بهانه جلب سرمایه گذاری در حال از میان برداشتن حقوق کارگران و مزدبگیران اند. می گویند حجم نقدینگی در سه سال گذشته ۵ برابر شده، بنا به گزارش ۱۲ مرداد

فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت و دموکراسی در عراق بعد از صدام حسین - بخش 2

دکتر بنیامین عیسی خان - مرکز تابعیت جهانی و گلوبالیزاسیون دانشگاه دیکین استرالیا

مقاومت در برابر اشغال خارجی و اوجگیری استبداد

با سقوط رژیم بعثی در آوریل 2003 رشد اتحادیه های صنفی و جنبش کارگری در سراسر عراق چشمگیر بود. این در تشکل های پزشکان، پرستاران، کارکنان دانشگاه ها، رانندگان تاکسی، افسران پلیس، مهندسان، برقکاران، روزنامه نگاران، نجاران، مأموران گمرک و مأموران خدمات اضطراری و اورژانس نمود یافت. آنان بطور مکرر به اعتراضات صلح آمیز دست زدند، اعتصاب، تحصن، راهپیمایی، دست کشیدن از کار برای جلب توجه به چالش هایی مانند شرایط سخت کاری، مداخلات نیروهای مختلف در کارشان، فشارهایی که متحمل می شوند، اخراج های غیر عادلانه، محیط مخاطره آمیز کاری، و قوانین و مقررات غیر متعارف دولتی.

البته بر روی کاغذ این جنبش های اتحادیه ای غیرقانونی اند، چرا که گرچه آمریکایی ها در جریان اشغال عراق تا آنجا پیش رفتند که تمام

قوانین دوران صدام حسین را لغو کنند، اما بعضی قوانین را هم دست نخورده گذاشتند که یکی از آنها حکمی بود که به دستور صدام در مورد لغو حقوق قانونی کارگران از جمله حداقل دستمزد کار، حق مذاکره دسته جمعی برای حقوق کار، حق تشکل در اتحادیه های صنفی و حق اعتصاب بود و به عنوان فرمان 150 صادره 1987 معروف است. در دوران حکومت بعث تنها اتحادیه قانونی، فدراسیون عمومی اتحادیه های صنفی بود که بیشتر به ماشین امضای سیاست های دولتی شباهت داشت.

علیرغم غیرقانونی بودن این تشکل ها هزاران عراقی که در شرکت صنعت نفت جنوب کار می کردند یکی از اولین و قدرتمندترین اتحادیه های صنفی را بعد از سقوط صدام حسین ایجاد کردند. تحت رهبری پرزیدنت حسن جمعه اواد الاسدی آنها اتحادیه کارگران کمپانی نفت جنوب (Southern Oil Company Union - SOCU) را بلافاصله پس از سقوط بغداد در آوریل 2003 تشکیل دادند.

لازم است دو نکته را در باره SOCU یادآوری کنیم. اول این که SOCU و اتحادیه جایگزین آن IFOU عمدتاً منافع مناطق شیعه نشین جنوب را نمایندگی می کند که در عین حال بیشترین مخازن نفت عراق را دربر می گیرد. بطور مثال سه منطقه نصیریه، میسان و بصره به تنهایی 71% ذخایر نفت عراق را شامل می شوند که بیلیون ها دلار ارزش این ذخایر زیرزمینی است.

ثانیا باید در نظر داشت که اتحادیه کارگران صنایع نفت جنوب صرفاً بخاطر تعداد اعضا و گستره قدرت خود توانسته است بدون وابستگی به گرایش های سیاسی و احزاب موجود در عراق که در نبرد قدرت پس از سقوط رژیم سابق درگیر اند، استقلال خود را در عمل هم حفظ کند. و رای این دو نکته اتحادیه جنوب از همان لحظه تاسیس خود همچنان بر دو برنامه مرکزی خود متعهد مانده است: اول آن که بدون قید و شرط مخالف اشغال خارجی است و دوم آن که با فروش صنعت نفت عراق به بخش خصوصی و مداخلات خارجی در آن از ریشه مخالف است و با آن مبارزه خواهد کرد.

در مورد اول الاسدی صریحا گفته است که "این احساس اخلاقی و میهنی تمام اعضای اتحادیه است که نیروهای اشغالگر باید فوراً کشور را، بدون توجه به

علیرغم غیرقانونی بودن این تشکل ها، هزاران عراقی که در شرکت صنعت نفت جنوب کار می کردند یکی از اولین و قدرتمندترین اتحادیه های صنفی را بعد از سقوط صدام حسین ایجاد کردند. تحت رهبری پرزیدنت حسن جمعه اواد الاسدی آنها اتحادیه کارگران کمپانی نفت جنوب (Southern Oil Company Union - SOCU) را بلافاصله پس از سقوط بغداد در آوریل 2003 تشکیل دادند.



کارگران از ماه مارس هیچ حقوقی دریافت نکرده بودند. این شرایط به اعتصاب یکصد کارگر در پالایشگاه شعیه در بصره انجامید. آنها راه های ورودی را برای 5 ساعت بستند و اولین موفقیت اتحادیه با مذاکره با نیروهای بریتانیایی و قول پرداخت حقوق عقبمانده ظرف یکروز بدست آمد. این پیروزی اما ادامه نیافت و باز هم پرداخت حقوق ها به تعویق افتاد و درماه اوت اتحادیه توانست کل صدور نفت را برای دو روز متوقف کند.

نیروهای اشغالگر در پاسخ به این وضع "فرمان 30" را صادر کردند که در آن شرایط کار، جدول حقوق و تعهد به پرداخت حقوق عادلانه و بموقع تضمین شده بود. با این وجود تأخیر در پرداخت ها ادامه یافت و اتحادیه هم مدعی شد که جدول حقوق پیشنهادی هم ناعادلانه است و با افزایش بهای مسکن، غذا و سوخت متناسب نیست. از این رو آنها پیش نویس جدول حقوق دیگری را تهیه نموده و برای آن با وزارت نفت وارد مذاکره شدند و تهدید کردند که اعتصاب سراسری به راه خواهند انداخت اگر به توافق نرسند. در ژانویه 2004 اتحادیه جنوب اولین پیروزی بزرگ خود را در این مورد اعلام کرد و نیروی اشغالگر پذیرفت که از جدول حقوق پیشنهادی اتحادیه پیروی کند.

نتیجه این خروج، ترک کنند! در مورد آخر هم اظهار نظر الاسدی بشرح ذیل است: "ما با تمام قوا در مقابل این طرح امپریالیستی خواهیم ایستاد که می خواهد تمام ثروت ملی عراق را به سرمایه داری جهانی واگذارد و مردم عراق را از آن محروم نماید. ما این مبارزه را برای اعتلای عراق پیش خواهیم برد حتی اگر مجبور باشیم زندگی و خونمان را در این راه فدا کنیم. عراقی ها کاملاً قادر اند که کمپانی ها و منابع خود را خودشان مدیریت کنند."

در ماه مه 2003، اتحادیه کارگران نفت جنوب با اولین چالش خود در برابر شرکت های خصوصی ساختمانی و نظامی آمریکایی در قرارداد های نفتی قرار گرفت. شرکت کلاگ، براون و روت (KBR) یک زیرمجموعه شرکت هالیبرتن که قرارداد اصلی ارتش آمریکا را داشت، قصد آن کرد که به بهانه سازماندهی و حفظ امنیت تأسیسات نفتی عراق از حمایت نیروی نظامی اشغالگر آمریکا استفاده کند. اتحادیه کارگران نفت جنوب مقاومت کرد و با شک و تردید نسبت به KBR که آنان را بخشی از نیروی اشغالگر می دید، بدون موفقیت خواست جلوی ورود آنان را به تأسیسات نفتی بگیرد. در ژوئن 2003 حس شرم آور کارکردن برای اشغالگران خارجی در میان کارگران عضو اتحادیه به حد اشباع رسیده بود، مضاف بر این که بسیاری از



"محصول": نقاشی از کامیل پیسارو



اخبار خارجی

نگاهی خوشبینانه به آینده کار و زندگی

اولو گولاب

هم اینک در اجلاسی در اندیشکده "دانشگاه سینگولاریتی"، شرکت داشتم. این هم آموخته هایم:

در سال 1998 شرکت گُداک با 170 هزار کارمند 85 درصد بازار فیلم عکاسی را در سراسر جهان در اختیار داشت. تنها در عرض چند سال مدل کسب و کار این شرکت بر باد رفت و شرکت ورشکسته شد.

آنچه بر سر گُداک آمد، می تواند در 10 سال آینده دامنگیر بسیاری از دیگر شرکتها هم بشود و از دید بسیاری از افراد هم پنهان بماند. آیا شما در سالهای 90 قرن پیش هرگز از ذهنتان گذشته بود که دیگر با فیلم عکاسی عکسی نخواهید گرفت؟

البته دوربینهای عکاسی دیجیتالی در سالهای 70 قرن بیستم هم تک و توک وجود داشتند. اولین آنها قادر به گرفتن عکسهای چندان واضحی نبودند. اما "قانون مور" (Moore's law) در مورد پیشرفت این دوربینها هم صادق از کار درآمد. سالهای اول پس از آن سالها، مثل هر روند تکنولوژیک "نمائی" دیگری ناامیدکننده بودند، اما در یک برهه زمانی بسیار محدود دوربین دیجیتالی به جریان مسلط در کار عکاسی تبدیل شد. حال این روند در پروسه های مربوط به "هوش مصنوعی"، سلامت، ماشینهای خودران الکتریکی، آموزش، چاپ سه بعدی، کشاورزی و مشاغل نیز رخ خواهد داد. به دوران چهارمین انقلاب صنعتی خوش آمدید، به دوران تحول نمائی خوش آمدید.

در 5 تا 10 سال آینده، نرم افزارها بیشترین صنایع و

مشاغل سنتی را از بین خواهند برد: اوبر (Uber) جز یک نرم افزار نیست و هیچ ماشینی در اختیار ندارد، اما بزرگترین شرکت تاکسیرانی دنیاست. ایر بی ان بی (Airbnb) هم اکنون بزرگترین شرکت هتلداری دنیاست، بی آن که یک هتل داشته باشد.

هوش مصنوعی: فهم کامپیوترها از دنیا در سیری نمائی

بهبود می یابد. همین امسال، یعنی 10 سال پیشتر از آنچه پیش بینی می شد، یک کامپیوتر توانست به مقام بهترین بازیکن بازی "گو Go" در دنیا دست یابد. وکلای جوان در آمریکا دیگر به دشواری می توانند کاری پیدا کنند؛ زیرا به "یمن" نرم افزار "واتسون" آی.بی.ام، افراد می توانند در عرض چند ثانیه از توصیه های حقوقی برخوردار شوند که از 90 درصد دقت برخوردارند. این درحالی است که دقت توصیه های انسانی فقط 70 درصد است. بنابراین اگر شما به تحصیل حقوق اشتغال دارید، دست نگه دارید! تعداد حقوقدانان در آینده تا 90 درصد کاهش خواهد یافت و فقط حقوقدانان فوق متخصص باقی خواهند ماند.

واتسون هم اکنون هم به پرستاران کمک می کند تا وجود سرطان را تشخیص دهند و دقت اش 4 برابر دقت انسان است. فیس بوک از نرم افزاری برای تشخیص چهره استفاده می کند که باز با دقت بیشتری نسبت به انسانها کارش را انجام می دهد. در سال 2030 کامپیوترها از انسانها باهوشتر خواهند بود.

ماشینهای اتوماتیک: در سال 2018

سروکله اولین ماشین "خودران" در جاده های عمومی پیدا خواهد شد. حوالی سال 2020 کل صنعت ماشین سازی مختل خواهد شد. شما دیگر نیازی به اتوموبیل نخواهید داشت، بلکه با تلفن تان به اتوموبیلی زنگ خواهید زد. آن ماشین در آدرس شما حاضر خواهد شد و شما را به مقصدتان خواهد برد. نیازی به پارک کردن آن نیست. شما بابت مسافت طی شده پولی خواهید پرداخت. در طول راه هم می توانید مشغولیت خلاقانه تری داشته باشید. بچه های ما هرگز گواهینامه رانندگی دریافت نخواهند کرد و صاحب ماشین نخواهند شد. وضع شهرها دگرگون خواهد شد، زیرا نیاز ما به ماشین 95 درصد کمتر خواهد شد. پس خواهیم توانست فضاهای کنونی لازم برای پارک ماشینها را به پارک تبدیل کنیم. هر ساله در سطح جهانی 1/2 میلیون نفر در اثر حوادث رانندگی کشته می شوند. تعداد متوسط تصادفات در حال حاضر یکی در هر صد هزار کیلومتر رانندگی است. با ماشینهای خودران این تعداد به یکی در هر ده میلیون کیلومتر کاهش خواهد یافت. این به معنای پیشگیری از مرگ 1 میلیون نفر در هر سال است.

بسیاری از کارخانه های ماشین سازی در خلال سالهای پس از آن ورشکست خواهند شد. کارخانه های ماشین سازی جافتاده می کوشند اصلاحاتی انجام دهند و ماشینهای بهتری درست کنند. این در حالی است که شرکت های تکنیکی (مثل تسلا، اپل، گوگل، ...) رویکردی انقلابی دارند و در کار ساختن کامپیوترهای چرخدار اند. ما با بسیاری از مهندسان فولکس واگن و آودی



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
شنبه 16 مرداد 1395 / 6 اوت 2016 / سال سوم شماره 145

چاپ سه بعدی: قیمت ارزانه‌ترین چاپگر سه بعدی در عرض 10 سال از 18 هزار دلار به 400 دلار افتاده است. در همین مدت کار چاپگر سه بعدی 100 بار سریعتر شده است. تمام کارخانه‌های بزرگ کفش تولید کفشهای چاپی را شروع کرده اند. بسیاری از قطعات یدکی هواپیماها چاپ سه بعدی اند. ایستگاه فضایی [ناسا] در حال حاضر چاپگری دارد که تولید مقدار زیادی از قطعات یدکی مورد نیاز ایستگاه را به عهده دارد.

در پایان سال جاری، تلفنهای هوشمند دارای قابلیت اسکن سه بعدی خواهند شد. در این صورت شما می توانید پایتان را سه بعدی اسکن کنید و کفش کاملی را برای خودتان در خانه چاپ کنید. چندی پیش در چین یک ساختمان اداری 6 طبقه را تماماً چاپ کردند. تا سال 2027 ده درصد کل تولیدات [غیرطبیعی] چاپ سه بعدی خواهد بود.

فرصتهای شغلی: اگر فکر می کنید جای خالی ای در بازار وجود دارد و شما می توانید آن را پر کنید و از آن برای خودتان شغلی دست و پا کنید، اول از خودتان بپرسید: "آیا در آینده چنین شغلی خواهیم داشت؟" و اگر پاسخ تان "آری" بود، آن گاه بپرسید: "چگونه می توان کار را تسریع کرد؟" اگر نتوانید با تلفن تان چنین کنید، بهتر است کلاً این فکر را از سر به در کنید. هر ایده ای که برای قرن 20 می توانست موفقیت آمیز باشد، در قرن 21 محکوم به شکست است.

کار: 70 تا 80 درصد مشاغل کنونی در خلال 20 سال آینده از بین خواهند رفت. البته بسیاری مشاغل جدید هم ایجاد خواهند شد. اما ابداً روشن نیست که در چنین مدت کوتاهی بتوان این همه شغل جدید ایجاد کرد.

کشاورزی: کار کشاورزی در آینده توسط یک روبات 100 دلاری انجام خواهد شد. از این قرار کشاورزان "جهان سوم" می توانند، به عوض کار هر روزه در مزرعه، به مدیران آن مزرعه تبدیل شوند. کشت هوایی نیاز بسیار کمی به آب دارد. نخستین نمونه گوشت گوساله بیوتکنولوژیک اکنون یک واقعیت است و قیمت آن تا سال 2018 از قیمت گوشت گوساله معمولی ارزانه‌تر خواهد شد. در حال حاضر 30 درصد تمام اراضی کشاورزی صرف پرورش گاو می شود. در آینده نزدیک نیازی

صحبت کردم. تسلا به کابوس همگی آنها تبدیل شده است.

شرکتهای بیمه دردسر مشترکی خواهند داشت، زیرا بدون تصادفات، هزینه و حق بیمه 100 برابر ارزانه‌تر خواهد شد. مدل کسب و کار آنها برای بیمه ماشین از بین خواهد رفت.

البته شغل مشاور املاک تغییراتی به خود خواهد دید، زیرا وقتی شما بتوانید در حال رفت و آمد کارتان را هم انجام دهید، آن گاه محل زندگی تان را در مناطق دورتر و زیباتر انتخاب خواهید کرد.

اتومبیلهای برقی تا سال 2020 به جریان غالب تبدیل خواهند شد. سروصدا در شهرها کمتر خواهد شد، زیرا اتومبیلها با برق کار خواهند کرد. برق به میزانی باورنکردنی ارزان و پاک خواهد شد: تولید انرژی خورشیدی در 30 سال اخیر در مسیری نمائی پیش رفته است و شما امروز می توانید اثرات این سیر را ببینید. سال گذشته در سطح دنیا تأسیسات انرژی خورشیدی از انرژیهای فسیلی پیش گرفتند. قیمت انرژی خورشیدی چنان نزول خواهد کرد که تمام شرکتهای زغالی تا سال 2025 از دور خارج خواهند شد.

با انرژی ارزان، آب هم ارزان و فراوان خواهد شد. شیرین کردن آب در حال حاضر هم فقط نیازمند 2 کیلووات ساعت برق برای هر متر مکعب آب است. ما در کمتر جایی کمبود آب داریم. اما کمبود آب آشامیدنی یک واقعیت است. تصور کنید چه خواهد شد اگر هر کس، به ازای هزینه کمکی، به هر اندازه که بخواهد بتواند آب آشامیدنی داشته باشد.

سلامت: امسال برنده جایزه "تریگوردر ایکس" ** اعلام خواهد شد. برخی شرکتهای در صدد ساختن دستگاهی پزشکی اند که در همکاری با تلفن شما، شبکه چشم تان را اسکن می کند، نمونه خون و تنفس تان را می گیرد. سپس 54 شاخص حیاتی شما را تجزیه و تحلیل می کند. تشخیص تقریباً تمام بیماریها از روی این تجزیه و تحلیل ممکن است. این دستگاه ارزان خواهد بود. به این ترتیب در خلال چند سال آینده همه انسانهای روی این کره خاکی به یک پزشک خبره تقریباً مجانی دسترسی خواهند داشت.





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
شنبه 16 مرداد 1395 / 6 اوت 2016 / سال سوم شماره 145

"جهان اول" عرضه می شود، از "فرهنگستان خان"*** استفاده کند. نرم افزار این فرهنگستان هم اینک به زبان اندونزیایی نیز در دسترس عموم است و همین تابستان به عربی، سواهلی و چینی نیز چنین خواهد شد. اپ انگلیسی آن مجانی خواهد شد، تا شاید کودکان در آفریقا به کمک آن بتوانند عرض 6 ماه انگلیسی را روان صحت کنند.

* دانشگاه سینگولاریتی: یک اندیشکده فنی است مستقر در منطقه بسیار مشهور "سیلیکون ولی" کالیفرنیا. این اندیشکده به تدوین برنامه های آموزشی و ارائه مشاوره های شغلی به آغازگران نیز اشتغال دارد.
** جایزه تریکورد ایکس: جایزه ای است برای اختراع دستگاهی پزشکی که توانایی تشخیص بیماریها را در حد یا بهتر از یک تیم از انواع متخصصان عالی داشته باشد.
*** فرهنگستان خان: یک مؤسسه آموزشی اینترنتی است. این مؤسسه امکان آموزش مجانی از طریق اینترنت را تا سطح متوسطه به چندین زبان مختلف فراهم آورده است.

به تخصیص این اراضی به پرورش گاه نخواهد بود. برخی ابتکارات انجام شده اند تا بزودی پروتئین حشره ای را به بازار عرضه کنند: غنی تر از پروتئین گوشتی. روی برچسب آن هم نوشته خواهد شد: "منبع پروتئین آلترناتیو"، زیرا هنوز بسیاری از مردم از خوردن حشرات اکراه دارند.

اخیراً یک "اپ" به نام مودی رایج شده است که می تواند حال لحظه شما را تشخیص دهد. متحول شده این اپ تا سال 2020، می تواند حالات چهره شما را هم تشخیص بدهد و مثلاً بگوید که شما دارید دروغ می گوئید. یک مناظره سیاسی را تصور کنید که معلوم باشد کی کی دروغ می گوید و کی راست.

کارت اعتباری "بیت کوین" در سال جاری به جریان غالب تبدیل خواهد شد و ای بسا به "پول توجیبی" مقدم هم تبدیل شود.
طول عمر: هم اکنون طول عمر متوسط انسان هر سال 3 ماه افزوده می شود. 4 سال پیش عمر متوسط 79 سال بود، الان 80 سال است. خود میزان افزایش در حال افزوده شدن است و حالی سال 2036، به بیشتر از یک سال در هر سال خواهد رسید. بنابراین ما همگی سالهای بسیاری زندگی خواهیم کرد؛ شاید بیشتر از 100 سال.

آموزش: قیمت ارزانترین تلفنهای هوشمند در آفریقا و آسیا حدوداً 10 دلار است. تا سال 2020 بیش از 70 درصد تمام افراد صاحب تلفن هوشمند خواهند بود. این یعنی، تقریباً عموم افراد به آموزش دسترسی خواهند داشت. هر کودکی می تواند برای آموختن آنچه تا پایان دوره متوسطه در مدارس کشورهای

بریتانیا

بقای اتحادیه های کارگری در گرو تطبیق آنها با "اقتصاد فرفره"*

جان پارک، معاون دبیرکل "جامعه اتحادیه های کارگری" (TUC)

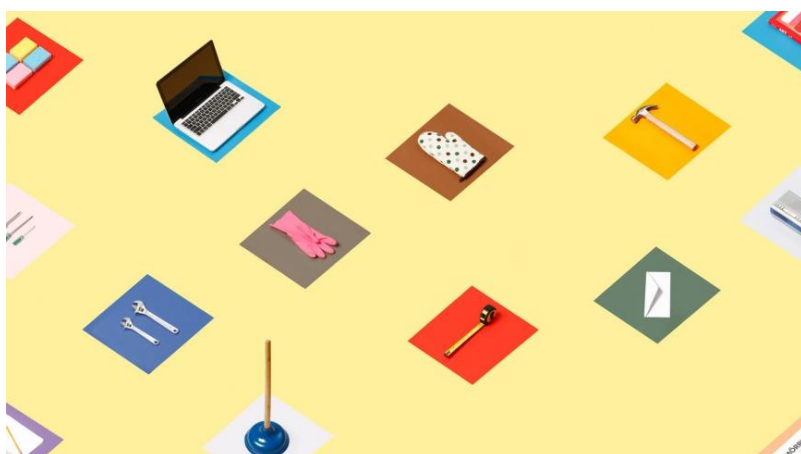
در اقتصاد بریتانیا غلظت اتحادیه ای را در بخش خصوصی به زیر 14 درصد رسانده اند.

نگران کننده ترین جنبه این افول این است که علیرغم عدم امنیت فزاینده شغلی، رشد نابرابری دستمزدها،

ما نمی توانیم اجازه دهیم حیات اتحادیه های کارگری بریتانیا به "مدیریت افول" تنزل یابد

در حالی که جهان پیرامون اتحادیه های کارگری به سرعت در حال تغییر است، این برداشت وجود دارد که آنها با انبوهی لفاظی خصمانه، ساختارهای مدیریتی کهنه و رویکردی خشک به واقعیت، در گذشته گیر کرده اند. این در حالی است که اتحادیه های کارگری در بازار کار به شدت بی ثبات کنونی اهمیت حیاتی دارند، باید از ظرفیت حمایت کارگران برخوردار باشند، و در صورت کاربرد مثبت توان شان، به جای خصومت ورزی، می توانند منبع الهام باشند.

آینده جنبش اتحادیه ای بریتانیا از مدتها پیش موجب نگرانی بوده است. عضویت در اتحادیه های کارگری در 30 سال گذشته راکد مانده است و تغییرات ساختاری



کند و برای رفع آنها بکوشد. با سرزنش دیگران - از جمله رسانه ها، سیاستمداران و کارفرمایان - نمی توان این مسائل را چاره کرد.

ثانیاً، ما باید به اجماعی وسیع در جنبش اتحادیه ای بر سر استراتژی تغییر و بهبود نائل آئیم. چنین اجماعی با توجه به منافع متفاوت بسیاری از سازمانهای وابسته به جامعه اتحادیه های کارگری، سهل الوصول نیست. تقویت حکمرانی اتحادیه ای باید یک اولویت باشد، تلاش برای ایجاد یک چارچوب اجتماعی در همراهی با کارفرمایان و دولت باید اولویت دیگری باشد.

ثالثاً، ما باید جهان کار را نسبت به اهمیت مداوم و فزاینده اتحادیه های کارگری متقاعد کنیم. ما باید نشان دهیم که در بسیاری موارد برای ایجاد پیوند در فراسوی اعضا و در فراسوی فعالان اتحادیه ای مبارزه می کنیم.

تغییرات در اتحادیه های کارگری غالباً در آنها وارد شده اند و نه این که اتحادیه ها خود را تغییر داده باشند. قانون اتحادیه های کارگری آخرین نمونه از اقدام دولت محافظه کار برای کاستن از نفوذ اتحادیه هاست. دیری نخواهد پایید که محافظه کاران باز در صدد تحقق این هدف برآیند. پس بر ماست که به جای انتظار، دست به ابتکار بزنیم.

تلاش برای مدرن کردن ساختارها، طرح ایده هایی که استقلال آتی ما را پی می ریزند و جستجوی مناسبترین اقدامات برای ارائه خدمات اموری نیستند که در ورای سامان جمعی اتحادیه قرار گیرند.

بدون شک این امور چالشهای بزرگی برای جنبش اتحادیه ای اند. ما می خواهیم جامعه ای عادلانه تر و منصفانه تر مبتنی بر مشاغل آبرومند، مسکن و آموزش برای همه بسازیم. تنها خواستن کافی نیست، ما باید در موقعیت تحقق آنها قرار گیریم.

* اقتصاد فرفره (gig economy): اقتصادی که در آن وجود مشاغل موقت پدیده ای عادی است و قراردادهای کار غالباً فردی و برای اشتغال کوتاه مدت اند.

و پس گرفتن حقوق کار از 2010 به این سو، به نظر می رسد که اتحادیه های کارگری - یا دقیقتر بگوییم: عضویت در اتحادیه های کارگری - دیگر انتخاب بامعنائی برای میلیونها کارگر به حساب نمی آید.

نظرسنجی ها حاکی از آن اند که بسیاری از کسانی که می توانسته اند و می خواسته اند عضو سازمانی باشند که کارش قاعدتاً باید راهنمایی مستقلانه و حمایت از کارگران باشد، به دلیل زبان پرخاشگر و مقابله جویانه رهبران اتحادیه ها، که معمولاً هم به هنگام مناقشات کاری (...) به گوش می رسد، از این اتحادیه ها فاصله گرفته اند. ادامه رفتار عصبی و خشمگین اتحادیه ها کمکی به بهبود وضع آنها نمی کند.

اتحادیه های کارگری با چالشهای سهمگینی روبرو اند، که اگر بتوانند از پس آنها برآیند، باقی خواهند ماند. سر برآوردن پدیده های "خویش فرمائی"، "مستقل کاری" (freelancing) و "اقتصاد فرفره" * به این معناست که تعداد هر روز بیشتری از کارگران به خدمات و حمایتهایی نیاز دارند که اتحادیه ها می توانند ارائه دهند. اما این خدمات و حمایتها باید با نیازهای کارگر امروزی دمساز شوند و از انعطاف برای تغییر - زمانی که تغییر فرا می رسد - برخوردار باشند.

ما به صراحت کافی در باره موفقیتها مان صحبت نمی کنیم. لازم نیست اگر در همکاری با کارفرمایان معقول موفق به انجام کاری می شویم، از این بابت شرمگین باشیم. همچنین موفقیت ناشی از قدرت همبستگی و سلاح اعتصاب ایداً موجب شرم نیست. اما ما باید نسبت به قالب بندی این موفقیتها برای مخاطبان مان حساس باشیم و مدام در جستجوی مخاطبان وسیعتری باشیم.

زرق و برق دادن به پیامها و خدمات مان و موشکافی در آنها به تنهایی کافی نیست. ما برای تضمین موفقیت بلند مدت به تغییرات ساختاری در جنبش اتحادیه ای نیازمندیم.

اولاً ما باید حدت وضع را تصدیق کنیم؛ یعنی این واقعیت را که با افول عضویت، دامنه ارتباطات و نفوذ اتحادیه ای مواجه ایم. ما باید بپذیریم که جنبش اتحادیه ای مسئول است مسائل مبتلابه آن را درک

